

جهانی شدن رسانه و تحقق امت واحده اسلامی

(نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی جهان اسلام در فرایند جهانی شدن رسانه‌ها)

جمیل میلانی^۱* علی امینی^۲

چکیده

جهانی شدن واقعیت دنیای امروز ماست. این فرایند تغییرات مهمی به دنبال داشته است. توسعه روزافزون رسانه‌های مختلف اعم از ماهواره‌ها و شبکه‌های دیجیتال و دنیای مجازی، دنیای ارتباطات را دگرگون ساخته است. طبیعی است که این فرایند فرصت‌ها و تهدیدهایی را به همراه دارد. پژوهش پیش رو ضمن برشمردن وضعیت «جهانی شدن» و در رأس آن گسترش عصر ارتباطات، می‌کوشد وضعیت جهان اسلام را در این فرایند بررسی کند و راهکارهایی را برای استفاده هرچه بهتر از این وضعیت با هدف همگرایی جهان اسلام و تبیین مواضع اسلامی ارائه دهد. بالا بردن سواد رسانه‌ای، تلاش برای همگرایی رسانه‌ای در جهان اسلام و تبیین مواضع اسلام واقعی و پاسخ به شبهات از جمله اقداماتی است که می‌تواند در جهانی شدن رسانه در دستور کار قرار گیرد. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، جهان اسلام، رسانه، امت واحده، رسانه‌های اسلامی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی (نویسنده مسئول).

مقدمه

امروزه در عصری به سر می‌بریم که به نام‌های گوناگونی همچون عصر ارتباطات، عصر تکنولوژی، عصر پست مدرن و... خوانده شده است. این دنیای جدید متفاوت از قبل است و در این عرصه متحول شده هر روز با امکانات جدیدی روبه‌رو هستیم که بیش از پیش بر زندگی بشر تأثیر می‌گذارد. آنچه ما آن را «جهانی شدن» (Globalization) می‌نامیم، یکی از قدرتمندترین رخداد‌های تاریخ بشریت است. جهانی شدن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مبحثی است که در زمان حاضر توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف معرفت بشری را به خود جلب کرده است. این فرایند گریزناپذیر موجب دگرگونی‌های بسیاری در مرزهای جغرافیایی و هویتی شده است. همچنین جهانی شدن موجب تغییرات بسیار گسترده‌ای در سطح جهانی شده و این تغییرات وسیع در سطوح و ابعاد مختلف رخ داده است. جهانی شدن علاوه بر سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ، بر حوزه دین و باورهای مذهبی جوامع گوناگون نیز تأثیرگذار بوده است. جوامع مختلف هر یک از نظام ارزشی برآمده از سنت‌ها و اعتقادات دینی خاصی برخوردارند، اما این ارزش‌ها در مواجهه با جهانی شدن، دچار چالش می‌شوند. به عبارت دیگر جهانی شدن با ایجاد دگرگونی در جوامع، نوعی بحران هویت را با خود به همراه می‌آورد. بسیاری از نظریه‌پردازان نوین باور دارند که در فرایند جهانی شدن، یکی از جلوه‌های بسیار مهم، سربرآوردن رسانه‌های جدید اعم از شبکه‌های ماهواره‌ای و رایانه‌ای و اهتمام آنها به رشد تک فرهنگی جهانی است. تغییرات و تحولات بی‌سابقه‌ای که هم زمان با سپری شدن دهه آخر قرن بیستم رخ داده رسانه‌ها را از امکانات و فرصت‌های بزرگ و مسائل بزرگ‌تر برخوردار کرده است. این فرصت‌ها از نیاز جهانی به کسب اطلاعات سرچشمه گرفته است.

جهانی شدن

درباره جهانی شدن، از مناظر گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی یا ترکیبی از آنها بحث شده است. برخی مفهوم جهانی شدن را برای مجموعه فرایندهای پیچیده‌ای به کار می‌برند که به موجب آن، دولت‌های ملی به شکل فزاینده‌ای به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند و همین ارتباط و وابستگی است که برای مفهوم حاکمیت ملی و دولت ملی مشکلاتی به وجود می‌آورد (نش، ۱۳۸۰، ۱۰). جان دسکات، جهانی شدن را فرایندی می‌داند که در حال ساختن فضای جدید اجتماعی است (Chaucil 4272000). دیوید هلد جهانی شدن را حرکت به سمت نوعی دموکراسی جهان‌شهری (cosmopolititionDemocrocy) تعریف می‌کند که در عین حال کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود خواهد داشت (Held, 1999, 12). کاربرد اصطلاح جهانی شدن به دو کتاب برمی‌گردد که در سال ۱۹۷۰م منتشر شده‌اند. کتاب اول، دهکده جهانی (Global village) تألیف مارشال ماک لوهان است که بر نقش تحولات وسایل ارتباط و تبدیل شدن جهان به دهکده

واحد جهانی متمرکز است. کتاب دوم نوشته زیگنور برژینسکی، رئیس شورای امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر است. مطالب این کتاب درباره نقشی است که ایالات متحده برای رهبری جهان و ارائه نمونه جامع نوینسم باید برعهده گیرد (عبدالحمید، ۱۳۷۹، ۱۵۲).

مالکوم واترز، جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده، از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند. رابرتسون جهانی شدن را فشرده شدن جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل می‌داند. دیوید هلد نیز جهانی شدن را حرکتی به سوی نوعی مردم‌سالاری جهان‌شمول به شمار می‌آورد که در عین حال، کثرت فرهنگی و اقتصادی نیز دربرخواهد داشت. افرادی چون فریدمن نیز آن را ادغام سرسختانه بازارها، دولت‌های ملی و فناوری‌ها به درجه‌ای که پیش از این هرگز دیده نشده است، می‌دانند و باور دارند که جهانی شدن یعنی گسترش سرمایه‌داری بازار آزاد به بیشتر کشورها (نیاکوئی، ۱۳۸۶، ۳-۲).

جهانی شدن را می‌توان ناظر به تحولات جدیدی دانست که در حوزه‌های گوناگون زندگی بشر (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی و...) روی داده است. این اصطلاح به فرایندهایی گفته می‌شود که جهان را فشرده می‌سازد و به شکل گرفتن فضای جهانی واحد کمک می‌کند. بخشی از این فرایندها اجتماعی است که در طی آن قید و بندهای جغرافیایی، که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و انسان‌ها به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند. بخشی دیگر از این فرایندها نیز به گسترش دامنه فعالیت و نفوذ سازمان‌های فراملی سیاسی و اقتصادی مربوط می‌شود که حوزه اقتدار دولت‌ها را تضعیف می‌کند (درستی، ۱۳۸۰، ۱۲۲). برخی جهانی شدن را یک پروژه (جهانی‌سازی)، برخی دیگر آن را یک روند می‌دانند. براساس دیدگاه نخست، جهانی شدن، امری ارادی و متأثر از سیاست‌های اقتصادی کشورهای غربی است، درحالی‌که در دیدگاه دوم، این امر پدیده‌ای غیرطراحی شده و نتیجه انقلاب اطلاعاتی است (حقیقت، ۱۳۸۲، ۴۵۲). بنابراین، درباره ماهیت جهانی شدن، دو نگرش بدبینانه و خوش‌بینانه وجود دارد: در نگرش بدبینانه، جهانی شدن معادل جهانی‌سازی است که هدف همگن‌سازی جهانی از رهگذر تسلط فرهنگ و اقتصاد غرب به ویژه آمریکا بر سایر ملل را در فراسوی خود دارد و در نگرش خوش‌بینانه، جهانی شدن، فراگردی غیرارادی و در حال وقوع است که ناظر بر گسترش مراودات اجتماعی، امپراتوری جامعه مدنی، بالا بردن همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و گفت‌وگوی تمدن‌هاست (دهشیری، ۱۳۸۰، ۱۸-۵). گروه اول به تأثیر و کنترل فرهنگ آمریکایی بر رسانه‌های عمومی، در فرایند جهانی شدن اشاره می‌کنند (Ardalan, 2009, 518)، درحالی‌که گروه دوم آن را روندی طبیعی قلمداد می‌نمایند.

با توجه به تعاریف گفته شده اصول و ویژگی‌های جهانی شدن عبارت‌اند از:

۱- جهانی شدن فرایندی تک‌بعدی نیست، بلکه منسجم و یکپارچه است که در تمامی عرصه‌ها و

حوزه‌های اجتماعی رسوخ کرده است.

۲- ارتباطات متقابل؛ جهانی شدن موجب وابستگی شدید در حوزه ارتباطات و افزایش پیوندها و تعاملات اجتماعی در دل شبکه‌های جهانی می‌گردد که حاصل این فرایند کوچک شدن جهان و تحقق نظر «دهکده جهانی» است (عبدالحمید علی، ۱۳۷۹، ۱۵۴).

۳- جهانی شدن پدیده‌ای چالش‌گراست، به گونه‌ای که ابعاد آن قلمرو بسیاری از مفاهیم کلاسیک همچون نظم، امنیت، دولت، حاکمیت ملی، هویت، اقتدار ملی، فرهنگ و سایر ابعاد را درنور دیده و زمینه را برای تفسیر و باز تعریف آنها فراهم کرده است. گفته می‌شود که هسته اصلی مفهوم جهانی شدن در این معنا خلاصه می‌شود که دیگر، واحد دولت ملی چهارچوب کارآمد و مناسبی برای تبیین بسیاری از پدیده‌ها و رویدادهای فعلی نیست.

۴- جهانی شدن یک فرآیند و پروسه است نه یک وضعیت غائی. ما در جهانی شدن با فرآیند «شدن» سرو کار داریم؛ فرآیندی که به کمک عواملی همچون نظام ارتباط جهانی، سازمان‌های بین‌المللی و موارد دیگر مرزهای ملی را نادیده گرفته و بسیاری از پدیده‌ها را دستخوش تحول و تبدیل و تأثیرپذیری کرده است، به طوری که گفته می‌شود جهانی شدن روندی اجتناب‌ناپذیر است (کاظمی، ۱۳۸۰، ۱۴). یکی از پیامدهای جهانی شدن، همگرایی در عرصه جهانی و مواجه شدن همه ملت‌ها با خطرهای مشترک و تقدیر مشترک است. شتاب و تراکم ارتباطات و تسهیل انواع مبادلات این امکان را به وجود آورده است که پیامدهای بسیاری از اقدامات خود را به خارج از مرزها منتقل کنیم (هابرماس، ۱۳۸۰، ۸۷). از نظربرگر، برای برخی جهانی شدن، نوید جامعه مدنی بین‌المللی را می‌دهد که شامل دمکراتیزه شدن و صلح جهانی است. برای گروهی نیز جهانی شدن، مفهومی به جز روبه‌رو شدن با تهدید برتری طلبی سیاسی و اقتصادی امریکایی همراه پیامدهای فرهنگی آن نیست. در واقع، تهدیدات این چنانی و نویدهای آن چنانی، تهدیدی بیش نیستند و این ادعاها بازتابی از تصویر پیچیده جهانی شدن است که از تصورات ما شکل گرفته است (برگر و هانتینگتون، ۱۳۸۴، ۲۸-۷). جهانی شدن، پدیده‌ای چندبعدی است؛ از این رو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امور بسیاری را دربرمی‌گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین می‌رود یا کم‌رنگ می‌شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند، و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم می‌گردد (رجایی، ۱۳۸۰، ۴۰). به طور کلی، در فرآیند جهانی شدن، ویژگی‌های اصلی دولت ملی همانند اهمیت و نقش مرزها، رو به زوال است. در سطح فرهنگ باید از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن گفت. جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی جزئی از این جامعه‌اند و به مسائل و موضوعاتی چون رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی از جانب دولت‌های ملی نظر دارند که از حدود توانایی و دید دولت‌های ملی بسی فراتر می‌روند (نش، ۱۳۸۰، ۱۳-۱۰). جهانی شدن فرآیندی اجتماعی است که در آن، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی که بر روابط انسانی سایه افکنده است از بین می‌رود. البته هرچند جهانی شدن یک روند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، بیش از همه، روندی

اقتصادی است (تاملیسون، ۱۳۸۱، ۲۸). مانوئل کاستلز با اشاره به عصر اطلاعات، جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را دربرمی‌گیرد (Kastelz, 1990, 490) و همان‌طور که مانوئل کاستلز اشاره کرده، محرز است که جهانی شدن با توسعه جهانی بازارهای اقتصادی همراه بوده است (Giddens, 1990)، اما بیش از همه توسعه بازارهای اقتصادی نتیجه فعالیت گسترده شرکت‌های چند ملیتی بوده که نقش محوری را در فرآیند جهانی شدن ایفا نموده‌اند (sklair, 1994). اگر رسان‌های بین‌المللی را کارگزاران اصلی جهانی شدن بدانیم، چندان اغراق نکرده‌ایم.

جهانی شدن رسانه

«رسانه، خود یک پیام است» جمله‌ای است که سی و اندی سال پیش مک لوهان درباره نقش و اهمیت بسیار بالایی رسانه‌ها در جامعه بین‌المللی بیان نمود. وی درباره رسانه‌ها گفته است: ما امروز موفق شدیم تا دامنه سیستم اعصاب مرکزی خود را به یک بستر جهانی نیز گسترش دهیم؛ سیستمی که مفاهیم اصلی سیاره ما - یعنی زمان و مکان - را از پیش پای خود برمی‌دارد. بر این اساس امروز، دیگر کره زمین چیزی جز یک دهکده نیست.

امروزه نقش رسانه‌ها و میزان نفوذ آنها در ساخت فرهنگی جوامع بر کسی پوشیده نیست. برخی از نظریه‌پردازان ارتباطات معتقدند امروز جهان در دست کسی است که رسانه‌ها را در اختیار دارد. نقش عمده رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی باعث شده است اهمیت رسانه‌ها تا این حد مورد توجه قرار گیرد. در نظر صاحب‌نظران غربی، در اختیار داشتن وسایل ارتباط جمعی و فناوری‌های جدید ارتباطی، مساوی با در اختیار داشتن استیلای فرهنگی است. به باور برخی از جمله ادگار موران، جامعه‌شناس فرانسوی، استعمار به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم یا استعمار نو، ظهور یافته و پس از تبدیل استعمار مستقیم به استعمار غیرمستقیم، وادی فرهنگ به عنوان ابزار این استعمار به خدمت گرفته شده است و از این پس هر فردی که روی زمین متولد می‌شود، فکرو اندیشه او تحذیر می‌گردد؛ از این رو استعمار، دائمی و همیشگی شده است و به محدوده‌های صرفاً جغرافیایی نیز ختم نمی‌شود. تا جایی که ضرب و زور نظامی نیز در آن جایی ندارد. مهم‌ترین ابزار این تحذیر فرهنگی نیز رسانه است.

اهمیت رسانه‌های گروهی به قدری است که دانشمندان در تقسیم‌بندی مراحل تاریخی تمدن بشری، آن را لحاظ کرده‌اند. آلون تافلر تمدن بشری را به سه مرحله تقسیم کرده که عبارت است از: مرحله کشاورزی، مرحله صنعتی و مرحله فراصنعتی یا عصر ارتباطات و اطلاعات. در عصر فراصنعتی، قدرت در دست کسانی است که شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی را در اختیار خود دارند (تافلر، ۱۳۷۷، ۵۷).

از طریق ماهواره، اینترنت و... جهان جدیدی به موازات جهان واقعی به وجود می‌آید که دو ویژگی اصلی دارد: ۱. فرهنگ واقعیت مجازی: رسانه‌های الکترونیکی مخاطبان وسیع و متکثری دارند که مجموعه‌هایی از حیث محتوای نمادین به این افراد عرضه می‌کنند. در چنین شرایطی، فضای مجازی شکل می‌گیرد و فرهنگ‌ها همه از طریق واسطه‌های الکترونیکی منتقل می‌شود؛ ۲. زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها: مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا می‌کنند. فواصل زمانی و مکانی عملاً از میان برداشته می‌شوند و انتقال این اطلاعات و داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط هم‌زمان میان افراد در نقاط مختلف به وجود می‌آید. رسانه‌های گروهی دو نقش اساسی در تغییر فرهنگی جامعه‌های امروزی برعهده دارند: از یک سو فرهنگ توده را نشر می‌دهند و از سوی دیگر منبع تغذیه نخبگان جامعه با هدف نوآوری و ابداع هستند، به عبارت دیگر رسانه‌های گروهی حلقه اتصال محیط بزرگ یا جامعه کل با محیط کوچک‌اند. درباره اهمیت و تأثیر رسانه‌ها در فرهنگ، ژودیت لازار معتقد است: رسانه‌ها در فرهنگ جامعه نقش غالب را بازی می‌کنند و این بازی را نه فقط با بازتاب دادن فرهنگ، بلکه با شرکت در فرهنگ‌سازی نیزه اجرا می‌گذارند (پورناجی، ۱۳۸۷، ۸).

بی‌شک انواع رسانه‌های ارتباطاتی، همچون تلویزیون، کامپیوتر، ماهواره، اینترنت و نیز مطبوعات، در ایجاد یک فرهنگ جهانی مشتمل بر یک رشته هنجارها، آداب و عادات مشترک سهم بسزایی داشته‌اند. بدین ترتیب رسانه‌ها را باید منادی فرهنگ جهانی بدانیم. آنان با اتخاذ خط مشی «نسبیت‌گرایی فرهنگی»، ارزش‌ها، نهادهای سنتی و مذهبی و نیز ثبات سیاسی بسیاری از جوامع از جمله کشورهای جهان سوم را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده‌اند.

رسانه‌های بین‌المللی به تنهایی در ترویج یک فرهنگ جهانی نقش ندارند. در حقیقت، اگر قدرت‌های ملی در مواجهه با این پدیده، سیاست‌های منفعلانه باز در پیش گیرند، زمینه را برای نفوذ هر چه بیشتر رسانه‌ها و تضعیف مبانی فرهنگی جامعه فراهم خواهند ساخت.

بعضی از انواع رسانه‌ها به منظور بیداری ملت‌ها، در مسیر مقابله با این فرآیند و تأکید بر فرهنگ‌های متمایز گام برمی‌دارند. این گونه رسانه‌ها با یکسویه دانستن نظم در حال شکل‌گیری، فرآیند جهانی شدن را حرکتی برای اضمحلال فرهنگ‌های بومی و ایجاد یک رشته ارزش‌ها و هنجارهای جهانی برخاسته از فرهنگ غربی می‌دانند. این مسئله را می‌توان تا حدی در مورد کشورهای جهان سوم صادق دانست؛ از آنجاکه این کشورها از طریق ادغام با نظام اقتصاد جهانی در مسیر توسعه یافتگی قرار گرفته‌اند، ممکن است تنش‌ها و تعارض‌هایی در آنها رخ دهد که برخاسته از نیروهای تحریک برانگیز رسانه‌ای باشد.

رسانه‌ها با عرضه مفاهیمی که همه رسانه‌ای شده است می‌توانند بر مفهوم‌سازی و تصمیم‌سازی کشورها و حیات سیاسی و اجتماعی آنها تأثیر گذارند و علاوه بر انتقال پیام، به الگوسازی و فرهنگ‌سازی نیز دست زنند. در این صورت رسانه‌ها می‌توانند به صلح‌آمیز شدن سیاست خارجی کشور کمک کنند؛ بدین معنا که با تقویت ارزش‌های مردم‌سالار و سازوکارهای همکاری جویانه

و تأکید بر اصولی از قبیل احترام متقابل، برابری حاکمیت‌ها، پرهیز از کاربرد زور، ترویج گفت‌وگو و ارتباط بین ملت‌ها، تبادل افکار، تحمل و مدارای ملت‌ها با یکدیگر، مخالفت با قدرت‌طلبی و اقتدارخواهی، ترویج چندصدایی و چندفرهنگی در عرصه بین‌المللی، توسعه سیاسی، قانون‌گرایی، حکومت قانون، مسئولیت‌شهروندی و عقلانیت‌گرایی در مسیر پدیدارسازی فرهنگ مشترک جهانی با ارزش‌های دموکراسی، آزادی و حقوق بشر قدم بردارند و با آموزش صلح جهانی و ترویج ضرورت برقراری صلح بین‌المللی و ائتلاف برای صلح جهانی، به تقویت صلح دموکراتیک جهانی و گسترش تفاهم بین‌المللی یاری رسانند (جام جم آنلاین، ۱۳۸۱).

اسلام و جهانی شدن

رویکرد به مفهوم جهانی شدن، چه در تئوری و چه در عمل، پیشینه‌ای به قدمت بشر دارد؛ زیرا گرایش به جهانی شدن، نخست در ادیان الهی بروز کرد، به گونه‌ای که ادیان بزرگ الهی، چون یهودیت، مسیحیت و اسلام، سودای جهانی‌سازی داشته‌اند، و هر یک از آنها، در صدد بوده‌اند امت یگانه و حکومت واحد جهانی را پدید آورند؛ البته در این میان، اسلام برترین و کامل‌ترین شکل جهانی‌سازی دینی را مطرح کرده است: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» (انبیا، ۱۰۵). مخاطبان در جهانی‌سازی اسلامی، نه عرب، نه عجم، نه مکی، نه مدنی و نه حتی مسلمانان، بلکه تمام مردم‌اند، و معنویت (خدا) و عقلانیت (انسان) دو عنصر اساسی آن است. اسلام به عنوان نظامی دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از آغاز پیدایش خود و بنا به تعالیم و آموزه‌های قرآن و پیامبر اسلام (ص) خود را آیین و دینی جهانی و برای همه اعصار و برخوردار از جهت‌گیری‌های جهانی دانسته است. با کنکاشی در آیات قرآن کریم، می‌توان نمونه‌هایی را مشاهده کرد که بر جهانی بودن تعالیم اسلام تأکید می‌کند و با بهره‌گیری از آنها خصیصه جهانی بودن این آیین، در فلسفه سیاسی آن نهادینه شده است.

جهانی بودن دین اسلام را می‌توان هم از طریق مطالعه محتوای آموزه‌ها و متن پیام‌های آسمانی این دین و تصریحاتی که در منابع اصیل اسلامی نسبت به جهانی بودن این دین، و جهانی بودن نبوت و خاتمیت رسالت پیامبر شده است، درک کرد و هم با توجه به مبانی عقلانی و علمی و هماهنگی این دین با فطرت نوع بشر اثبات نمود. در کنار ادیان الهی، تمدن‌ها، کشورها، و مکتب‌هایی نیز بوده‌اند که بر اساس اندیشه‌های جاه‌طلبانه، سودجویانه و توسعه‌طلبانه، میل به جهان‌گرایی داشته و حتی کوشیده‌اند در قالب جهان‌گشایی به آن جامه عمل بپوشانند. بابلیان و رومیان از همین تمدن‌ها و کشورها هستند که در پی نیل به حکومت بر جهان و واداشتن همگان به پیروی از ارزش‌های خود بوده‌اند (عبدالحمید، ۱۳۸۰، ۹). برخی از اندیشمندان اسلامی، همچون محمد قطب معتقدند: «جهانی شدن نه تنها موجب تضعیف و طرد دین نخواهد بود، بلکه موجب تقویت و انتشار دین و

بیداری اسلامی در تمام نقاط زمین خواهد بود» (سید قطب، ۱۳۸۲، ۱۲). جهانی شدن و تشکیل حکومت جهانی از دیرباز به عنوان یکی از آرمان‌های بشریت مطرح بوده است. انسان‌ها همواره خواهان آن بوده‌اند که در پرتو اصول مشترك و متعالی به جنگ‌ها و درگیری‌ها خاتمه دهند و زندگی مسالمت‌آمیزی را محقق سازند. پیامبران الهی نیز تحقق چنین آرزویی را در آینده تاریخ بشریت بشارت داده‌اند که وجود تفکر ظهور يك منجی جهانی در میان ادیان و مذاهب مختلف خود دلیلی بر این ادعاست (خلیلیان، ۱۳۶۲، ۱۱۲). در این میان فرهنگ اسلامی به‌طور ویژه به بعد جهانی فرهنگ توجه می‌کند. اسلام تنها فرهنگی است که برای همه شئون حیات بشر و برای حل معضلات جهانی، راهبردها و راه‌حل‌های اساسی دارد (خسروشاهی، ۱۳۵۱، ۶۷). همان‌طور که بوازار اشاره کرده است: «ایدئولوژی اسلام قادر است نظام تازه‌ای در روابط بین ملت‌ها براساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند» (بوازار، ۱۳۶۱، ۱۲۵).

جهانی شدن مشتمل بر امواجی است که به نظر می‌رسد نظم برآمده از عصر جدید را دستخوش تغییر و دگرگونی نموده است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان معاصر معتقدند که تفکر جهانی شدن از اندیشه‌های کلیدی ورود انسان معاصربه هزاره سوم میلادی است (کیلی و مارفیت، ۱۳۸۰، ۱۲۳). با توسعه و گسترش وسایل ارتباطی از قبیل اینترنت و ماهواره ما شاهد نوعی تنیدگی جهانی و ارتباط تنگاتنگ جوامع بشری هستیم به‌ویژه در عرضه فرهنگ سیاست و اقتصاد. فرآیند جهانی شدن از يك سو موجب افزایش معرفت بشری و تحکیم روابط بین‌المللی خواهد شد و رفاه و توسعه نسبی را برای جهانیان به ارمغان خواهد آورد، ولی از دیگر سو سبب بروز چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌شود، به طوری که طرفداران دیدگاه رهیافت واگرایی معتقدند که حرکت اصلی فرآیند جهانی شدن به سمت افزایش نابرابری و برهم خوردن تعادل بین ملت‌هاست (کیانی، ۱۳۸۰، ۲۹). یکی از تأثیرات بسیار مهم جهانی شدن، تأثیر بروضعیت فرهنگ‌ها و ادیان است؛ از این رو، جهانی شدن برای جوامع اسلامی در کنار فرصت‌هایی که ایجاد می‌کند، یکی از دغدغه‌های مهم و چالش برانگیز به‌شمار می‌آید.

اسلام و جهانی شدن؛ تهدیدها و فرصت‌ها

ایدئولوژی اسلام این شایستگی و توانایی را دارد که بر روی ویرانه‌های جوامع از هم‌پاشیده، جامعه‌ای نو بنیاد نهد. اسلام می‌تواند در قلوب پیروان خود آن چنان هیجانی برپا کند که قاطعانه با موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان محدود نمی‌شود و از نظرگاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیئت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تساهل و بلندپروازی به جهانیان معرفی کرد. ایدئولوژی اسلام قادر است نظام تازه‌ای در روابط بین ملت‌ها براساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند (بوازار، ۱۳۶۱، ۱۲۵). از

لحاظ جهانی، مسلمانان به منظور تقویت موقعیت خارجی شان در ساختار جهانی، به پیگیری یک رویکرد ارتباطی متحد خارجی در قبال جهانی شدن نیاز دارند. روابط خارجی دولت‌ها این امکان را می‌دهد که برای حضور در بازارهای جهانی و تأثیرگذاری بر نهادهای بین‌المللی تلاش کنند. هیچ کشور مسلمانی به تنهایی در موقعیتی قرار ندارد که چنین قدرتی داشته باشد؛ بنابراین، مسلمانان باید با تلاش دسته‌جمعی روابطشان را با کشورهای دیگر گسترش دهند و از منافعیشان دفاع کنند. مسلمانان باید تلاش کنند تا انتقال دانش جهانی را به جوامعشان با تعمیم امکانات استاندارد برای برخورداری از دانش جوامع بین‌المللی تسهیل کنند. در چنین شرایطی، تکنولوژی اطلاعاتی مسلمانان، نه تنها توسعه پایدار در جهان اسلام ایجاد می‌کند، بلکه همچنین ابزاری برای استفاده مشترک در تبادل دانش با بقیه جهان فراهم می‌آورد (لطفی و محمدزاده، ۱۳۸۹).

افزایش تعداد کاربران اینترنتی در جهان اسلام، از یک جنبه تهدید به شمار می‌آید؛ زیرا در زمان حاضر، هزاران تارنمای مغایر با ارزش‌ها و تعالیم اسلامی در فضای سایبر در حال فعالیت‌اند و روزانه میلیون‌ها کاربر از سراسر جهان و همچنین در جوامع اسلامی به آنها مراجعه می‌کنند. این جریان می‌تواند پدیدآورنده مشکلاتی برای جهان اسلام باشد. در مواجهه با این مسئله، کشورهای اسلامی اغلب در پی ارائه و اعمال راهکارهایی برای مقابله با آنها خواهند بود. اعمال سیاست فیلترینگ و فعال‌سازی هرکدام در فضای سایبر بر همین اساس است. از سوی دیگر باید توجه کرد که فضای سایبر برای جهان اسلام می‌تواند کارکردی دوگانه داشته باشد؛ یعنی همچنان که تهدیدی جدی برای ارزش‌های اسلامی به شمار می‌آید؛ می‌تواند فرصتی در اختیار این جوامع قرار دهد تا از طریق آن بتوانند مروج ارزش‌ها، آموزه‌ها و تعالیم این دین آسمانی باشند و برای تبلیغ و گسترش آن در سایر جوامع جهان بکوشند.

به طور کلی چالش‌هایی که اسلام در فرایند جهانی شدن با آنها روبه‌روست عبارت‌اند از:

۱. چالش‌های هویتی: چالش‌های هویتی بدین شکل ایجاد می‌شوند که با نفوذ بیشتر ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی غرب در جوامع اسلامی و شکل‌گیری تعارض‌های هویتی در نتیجه آن، از خودبیگانگی در میان شهروندان تقویت می‌شود و با کم‌رنگ کردن ارزش‌های اسلامی، ارزش‌های مورد تأکید غرب به مرور جانشین فرهنگ اسلامی می‌گردد. در این زمینه شاخص حفظ و احیای هویت دینی و مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانه در معرض تهدید قرار گرفته است.

۲. رشد و تقویت قوم‌گرایی و تأکید بر هویت‌های ملی به جای هویت اسلامی و خلق و گسترش ستیز در درون جوامع اسلامی: با آغاز روند جهانی شدن، خاص‌گرایی‌های فرهنگی تقویت می‌شود و حرکت‌های قومی و احساسات ملی و ناسیونالیستی افزایش می‌یابد. اسلام محور اتحاد را پابندی به ارزش‌های اسلامی و تأسی به آیه «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» می‌داند، اما تبلیغات منفی علیه اسلام روند وحدت جهان اسلام در آینده را با مشکل مواجه خواهد کرد که در این میان شاخص وحدت کلمه امت اسلامی در معرض تهدید است.

۳. ارائه تصویر نامطلوب از اسلام در میان جوامع جهان: تبلیغات ضد دینی با بهره‌گیری از فناوری‌های ارتباطی مانند رسانه‌های صوتی و تصویری و فضای سایبر، فقط به درون جوامع اسلامی محدود نشده، بلکه این حرکت، به ارائه تصویری نامطلوب از اسلام و مسلمانان در سایر جوامع نیز انجامیده است. مسائلی مانند ترور، رعایت نکردن حقوق بشر و حقوق زنان، تهدید، خشونت، عقب‌ماندگی، بربریسیم و ابتربودن، نمونه‌هایی از تفسیر وحشت‌آفرین و تخریبی علیه مسلمانان در رسانه‌ها، فیلم‌های غربی و فضای سایبر است (افروغ و دیگران، ۱۳۸۸، ۴۵۹). اندیشه‌های لیبرال دموکراسی غرب شاخص‌هایی همچون ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جهان اسلام را با تصویری نامطلوب ارائه می‌دهد و آنها وسیله‌ای برای اشاعه ترور و دامن زدن به اقدامات تروریستی و خشونت‌طلبانه علیه شهروندان مختلف جهان معرفی می‌کند. رعایت نکردن حقوق زنان در جوامع اسلامی نیز موضوعی است که شاخص تأکید برجایگاه زنان در جامعه اسلامی را بارها زیر سؤال برده است.

۴. ترویج مباحث و موضوعات غیراخلاقی در میان جوانان در جهان اسلام و اجرای پروژه دین‌زدایی در این چهارچوب: امروزه هزاران تارنما در سطح گسترده‌ای ترویج‌دهنده انواع هزینه‌نگاری‌ها، تصاویر و فیلم‌های مستهجن هستند که دسترسی به آنها به راحتی ممکن است. نتایج یک کار پژوهشی نشان می‌دهد که برای نمونه کاربران ایرانی در فضای سایبر، عمدتاً جوان کم‌تجربه، مذکر و مجرد هستند. براساس یافته‌های این پژوهش، در چند سال اخیر همواره «کلمات پورنو» در فهرست مهم‌ترین کلمات جست‌وجوشده توسط کاربران ایرانی بوده‌اند. این موضوعات در فضای سایبر در چهارچوب اجرای پروژه دین‌زدایی ترویج می‌شود (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۳) و شاخص‌هایی مانند التزام علمی به دین اسلام، حفظ و احیای معنویات و اخلاق اسلامی و نفی مادی‌گرایی و تفکر اومانیستی، پایبندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام و اعتقاد به خدا و روز جزا را در معرض تهدید قرار می‌دهد.

۵. ترویج الگوی زندگی غیراسلامی و در معرض تهدید قرار گرفتن بنیان خانواده در جهان اسلام: اسلام بر تشکیل خانواده و ارضای غرایز در چهارچوب آن بسیار تأکید کرده و در این زمینه، به قانونمند شدن روابط زن و مرد در چهارچوب ارزش‌های اسلامی توجه نموده است. اما تفکر لیبرال دموکراسی غرب، بر اندیشه‌هایی غیر از این تأکید می‌نماید و در جهت مخالف آن عمل می‌کند. امروزه فضای سایبر، شرایطی را فراهم کرده است که در آن، ارزش‌های مد نظر اسلام درباره خانواده و روابط زن و مرد زیر سؤال می‌رود. یکی از نمونه‌های بسیار آشکار آن در کنار منابع مکتوبی که تبلیغ می‌شود فعالیت در اتاق‌های گفت‌وگو یا به عبارتی «چت‌روم» هاست که امروزه موجبات آشنایی و برقراری روابط نامشروع دختران و پسران جوان یا حتی مردان و زنان متأهل در جهان اسلام را فراهم کرده و در موارد متعددی وقوع جرم و جنایات و ازهم‌پاشیدگی بنیان خانواده‌ها را در پی داشته است. در این چهارچوب، شاخص‌هایی همچون حفظ کیان خانواده و پایبندی به روابط شرعی میان زن و مرد در جهان اسلام زیر سؤال رفته است.

راهکارهایی برای استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها

با توجه به تهدیدهای بیان‌شده، خطرترین وظیفه مسلمانان در قبال روند جهانی شدن، مقابله با مفروضات و مبانی فرهنگ غرب است، نه نفی دستاوردهای علمی غرب. به قول یکی از نویسندگان: «امروز مسلمانان بیش از هر زمان دیگری نیاز دارند که از پیشرفت‌های علمی دنیا و فرهنگ و تمدن جهانی آگاه باشند و نکته‌های مثبت آن را کسب کنند، ولی در این زمینه، نباید مرعوب غرب شوند و از توانایی‌ها و قابلیت‌های دین اسلام غفلت ورزند» (نکوئی سامانی، ۱۳۷۶، ۲۵۵). هر روز که می‌گذرد، مظاهر فرهنگ غرب در برابر فرهنگ اسلامی، که مبتنی بر تکامل معنوی و تعالی روحی است، نفوذ خود را از دست می‌دهد. اگرچه غرب با پیشرفت‌های صنعتی و پژوهش‌های علمی خود، همچنان جاذبه خود را در بین همه ملت‌ها حفظ کرده، این جاذبه از دل‌بستگی مسلمانان به معنویت اسلام و ایمان به خدا نکاسته و امت اسلامی را به تقویت بنیان‌های تمدن اسلامی و الهام از تجربه‌های تاریخی صدر اسلام دل‌گرم ساخته است. مسلمانان این واقعیت را پذیرفته‌اند که در شرایط جهان امروز، اسلام در صورتی می‌تواند رسالت راستین خود را ادا کند که ملت‌های مسلمان به موازات ایمان مذهبی و ارزش‌های اخلاقی، به ابزارهای صنعتی و علمی مجهز باشند؛ زیرا همان‌طور که بوازار اشاره کرده است، «اسلام قادر است در قلوب پیروان خود آن‌چنان هیجانی برپا کند که قاطعانه با موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان خاتمه نمی‌یابد و از نظرگاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیئت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تساهل و بلندپروازی به جهانیان معرفی کرد» (بوازار، ۱۳۶۱، ۱۲۵).

مسلمانان و اندیشمندان و متفکران جهان اسلام باید از جنبه نظری، به بازتعریف و تحلیل خاستگاه و زمینه‌های تاریخی پیدایش تمدن غرب و جهانی شدن و عواقب و پیامدهای آن دست زنند و از جنبه عملی و کاربردی نیز با استفاده از ابزارهای فناوریانه رسانه‌ای، مانند ماهواره و اینترنت و انواع وسایل جدید ارتباطی، این امکانات را به عنوان یک فرصت و فضای مناسب برای نشر عقاید و ارزش‌های اسلامی خود تلقی کنند و در فرایند تحولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در هر نقطه‌ای از جهان نقش خود را ایفا نمایند. به قول ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر سابق مالزی، «مسلمانان باید با کوششی هماهنگ، بر فرایند جهانی شدن تأثیر بگذارند و آن را قانونمند سازند». رسالت دیگر اندیشمندان مسلمان در شرایط کنونی، یافتن راه‌حلی برای بحران‌های فکری و معنوی جهان حاضر و کوشش برای تسخیر روح معنویت و فکر تمدن غرب است و از این نظر، توجه به بنیادها و مبانی فلسفی و سیاسی و اقتصادی تمدن غرب و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و دینی عمیق عصر حاضر، که به بروز و ظهور مکاتب الحاد و لائالیگری و صدها مکتب پوچ و سرگرم‌کننده و خلأهای فکری و اعتقادی در غرب منجر شده است، اهمیت دارد. بدین‌روی، اندیشمندان اسلامی باید بکوشند به نیازهای عقلانی، فطری، معنوی بشر امروز پاسخ اقناع‌کننده‌ای بدهند و این خود، امتیازی بزرگ

برای اسلام و اندیشمندان اسلامی در جهان امروز است. همچنین از راهکارهای مهمی که می‌توان با استفاده از رسانه‌ها به شناساندن ظرفیت‌های جهان اسلام و تلاش برای همگرایی در دنیا با استفاده از آرمان صلح‌خواهی اسلامی، پیگیری نمود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بالا بردن سواد رسانه‌ای در جهان اسلام

سواد رسانه‌ای (Media Literacy) در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آنها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد (شکرخواه، ۱۳۸۵، ۲۷). سواد رسانه‌ای مهارت‌های لازم را برای برقراری ارتباطی متفکرانه و آگاهانه با رسانه‌ها می‌آموزد و در عین حال دیدگاهی تحلیلی و نقادانه نسبت به پیام‌های رسانه‌ای فراهم می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۵، ۹۷).

در واقع سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها در جهان اسلام پیام‌ها را از حالت انفعالی و مصرفی خارج و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند؛ حالتی که در نهایت به نفع خود آنهاست. به سخن دیگر، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از سفره رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شد. امروز در دنیای زندگی می‌کنیم که خواه ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد، فضای پیرامون ما سرشار از اطلاعات است و وقتی برای مثال تلفن همراه یک نفر به صدا درمی‌آید این اطلاعات موجود در فضا است که پل ارتباطی او با تماس‌گیرنده شده است، یا زمانی که یک مودم می‌تواند افراد را به جهان بی‌انتهای اینترنت بکشاند، نشانه‌ای دیگر است از همین شرایط حاکمیت اشباع رسانه‌ای بر جهان یا حالا که میلیون‌ها روزنامه و مجله و کتاب و خبرگزاری و شبکه تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی، بر زمین و زمان می‌بارد همه نیاز دارند به اینکه در برابر چنین فضایی، چتری برسربگیرند و یک رژیم مصرف اتخاذ کنند؛ همه نیاز دارند به اینکه در انتخاب‌هایشان بیشتر دقت کنند، درست مثل اینکه حالا مردم در مورد تغذیه خودشان عمل می‌کنند؛ چون مردم اکنون با سوادتر شده‌اند؛ مراقب هستند که در غذایی که مصرف می‌کنند چقدر کلسترول، ویتامین یا مواد دیگر باشد، در فضای رسانه‌ای هم باید دانست چه مقدار باید در معرض رسانه‌های مختلف اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری بود و چه چیزهایی را از آنها برداشت.

نگارندگان بر این عقیده‌اند که چون رسانه‌ها اعم از تلویزیون، ماهواره، رادیو، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، فیلم، ویدئو، روزنامه و مجله هر روز و به‌طور فزاینده اطلاعات، سرگرمی‌ها و آگهی‌های مختلفی را به ما ارائه می‌کنند و همگی سهم بسیاری در شکل‌دهی و نفوذ به فرهنگ، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و اعتقادات ما دارند، اگر مسلمانان سواد رسانه‌ای لازم را داشته باشند، توانایی تحلیل و ارزیابی رسانه‌ها را خواهند داشت و پیام‌های آنها را به‌درستی دریافت خواهند کرد.

ایجاد اتحادیه‌های بین‌المللی رسانه‌ای با هدف تحقق وحدت اسلامی

امروزیکی از ضعف‌های بسیار مهم مسلمانان نداشتن وحدت در زمینه‌های فکری فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نظامی است. وحدت اسلامی و خوداتکاپی مسلمانان و کاهش وابستگی به قدرت‌های بیگانه در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و حمایت از حقوق ملت‌های مسلمان در صحنه‌های بین‌المللی یکی از وظایف مهم ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است. جهان اسلام ضمن مرزبندی هویت خود با فرهنگ و تمدن بیگانه، باید درصدد ساختن هویتی یکدست و منسجم برای پیروان این مکتب در قالب «امت» واحد باشد؛ زیرا یکی از عوامل مهم عزت و اقتدار مسلمانان توجه به همین اصل استراتژیک است. استعمارگران با تقسیم کشورهای اسلامی به دولت‌های کوچک، پاره پاره کردن مرزهای جغرافیایی جوامع اسلامی و ایجاد انواع مرزبندی‌های سیاسی و فرهنگی، امت اسلامی را دچار تشقت و تفرقه‌های داخلی نموده‌اند (نکوبی سامانی، ۱۳۸۷).

از آنجاکه در عصر حاضر جهانی شدن رسانه فرایندی است که هر روز بر قدرتش افزوده می‌شود و به قولی تقدیری است که خواه ناخواه بر سراسر جهان سایه افکنده است و خواسته یا ناخواسته، جهان اسلام و سایر جوامع در معرض پدیده جهانی شدن قرار گرفته‌اند و نمی‌توانند فارغ از تأثیرات آن باشند، باید توجه کرد که در مواجهه منطقی با این واقعیت، می‌توان از فرصت‌هایی که فضای سایبر در اختیار قرار می‌دهد استفاده کرد و با راه‌اندازی اتحادیه‌های رسانه‌های مختلف مانند اتحادیه رادیو تلویزیون‌های اسلامی، اتحادیه مطبوعات جهان اسلام و... با موضوعات و مباحث متنوع، به ترویج آیین‌های مناسب و مقبول در جامعه اسلامی دست زد و به مقابله با تهدیدهای جهانی شدن برای جهان اسلام برخاست و همچنین به رشد معنویت و ایجاد همبستگی و وحدت بین جوامع اسلامی و دفاع از مسلمانان سراسر جهان کمک کرد.

مسلمانان این واقعیت را پذیرفته‌اند که در شرایط جهان امروز، اسلام در صورتی می‌تواند رسالت راستین خود را ادا کند که ملت‌های مسلمان به موازات ایمان مذهبی و ارزش‌های اخلاقی، به ابزارهای صنعتی و علمی از جمله رسانه‌های قوی مجهز باشند؛ همچنین از آنجاکه سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن مانند شورای امنیت، شورای اقتصادی - اجتماعی و آژانس‌های تخصصی وابسته به آن از همان آغاز شکل‌گیری، به دور از تأثیر جهان اسلام بوده‌اند و به تسخیر غرب و صهیونیسم درآمده‌اند تا علیه مصالح دنیای اسلام و مسلمانان به‌کار گرفته شوند (فتحی یکن، رامز طنبور، ۱۳۸۷، ۱۱۴)، تأسیس اتحادیه‌های بین‌المللی رسانه‌ای جهان اسلام سبب خواهد شد همکاری و هماهنگی میان رسانه‌های جهان اسلام از جمله تلویزیون و مطبوعات و... در ابعاد فرهنگی، دینی و سیاسی براساس پایبندی کامل به منافع امت اسلامی افزایش یابد و جهان اسلام از توانایی مقابله با راهبرد اسلام‌هراسی رسانه‌های غرب و صهیونیسم برخوردار شود و به تقریب مذهبی و تحقق وحدت مسلمانان دست یابد و با برقراری ارتباط میان نخبگان و اندیشمندان

اسلامی، اسلام ناب محمدی را به جهانیان معرفی کند و تصویر زیبای اسلام را به جای چهره خشن و ترسناکی که رسانه‌های دشمن اسلام از آن ارائه می‌کنند تبلیغ کند.

همگرایی رسانه‌ای بین کشورهای اسلامی

در عصر امروز جهانی شدن رسانه در حال گسترش در تمام کشورهای جهان است و راه نجات از غرق شدن در امواج سهمگین آن شنا در جهت مخالف آن یا واگذار کردن خود در دست تقدیر نیست، بلکه ساختن کشتی مستحکمی است که بتواند از حرکت امواج برای حرکت به سمت پیشرفت و ساحل ارتقا استفاده کند (میلسون، ۱۳۸۱، ۱۴). امروزه جهان اسلام و به ویژه کشورهای سوریه، عراق، لبنان، عمان، افغانستان و... با مشکلات فراوانی در زمینه بنیادگرایی، خشونت، تروریست، تجاوز نظامی، اشغالگری و کشتار بی‌رحمانه کودکان، زنان و مردان بی‌گناه روبه‌رو هستند و بیشترین جنایت‌ها به نام اسلام و با هدف مخدوش کردن چهره این دین، در رسانه‌های جهانی بازتاب داده می‌شوند؛ همچنین ارائه تصویری موحش از مسلمانان، منتسب کردن تمامی حوادث سوء، انفجارها، ترورها و بحران‌های اقتصادی به مسلمانان در دستور کار رسانه‌های غربی است. ساخت فیلم‌هایی شبیه فتنه، چاپ کاریکاتور و امثال اینها، تنها یکی از هزاران نمونه این اقدامات است (شیرودی، کاظمی، ۱۳۹۰، ۱۵۵-۱۵۴).

میرهن است که رسانه‌های غربی با استفاده از منابع مالی چشمگیری و شبکه‌های متنوع در تلاش‌اند تصویری نامناسب از اسلام به افکار عمومی ارائه دهند. در همین حال، هرچند مسلمانان می‌کوشند این تصویر نادرست را تصحیح و به نوعی با این تصویر مقابله کنند، با توجه به سلطه جهانی رسانه‌های غربی، عموماً تلاش‌های آنها بی‌فایده (یا کم‌فایده) بوده است. غرب براساس تجربه‌های جنگ‌های جهانی و دوران جنگ سرد، در راه تبلیغات و انتقال پیام‌های مورد نظرش بسیار حرفه‌ای شده و این چیزی است که مسلمانان از آن بی‌بهره‌اند (درخشه، ۱۳۸۹). با توجه به همین مسئله ضرورت دارد کشورهای اسلامی، اتحادیه رادیو تلویزیون‌های اسلامی، اتحادیه مطبوعات جهان اسلام و نهادها و اتحادیه‌های دیگر به صورت جدی، فعال و منسجم با ایده‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هماهنگ با اصل انسجام اسلامی با تولید برنامه‌های قوی با هجمه رسانه‌های غربی مقابله کنند و دین‌رحمانی و صلح‌طلب اسلام را معرفی نمایند. همچنین لازم است با همفکری اندیشمندان، روشنفکران، علما و رجال سیاسی جهان اسلام، شبکه‌های جهانی رسانه‌ای اسلام با دیدگاه تقریبی و وحدت جهان اسلام تأسیس شود و عرصه‌های مختلف رسانه‌ای (روزنامه، ماهواره، خبرگزاری، فیلم، شبکه‌های اجتماعی و...) برای نخبگان جهان اسلام با دیدگاه تقریبی فراهم گردد تا آنها بتوانند گفتمان مشترکی در مسیر تحقق وحدت اسلامی ایجاد کنند. با ایجاد شبکه‌های رسانه‌ای جهانی

اسلام می‌توان تمامی تولید محتوای تقریبی را که در جهان اسلام تولید می‌شود با هدف همگرایی مسلمان به‌کاربرد و با ارسال آن به دنیای شرق و غرب، تصویری صحیح از چهره اسلام نشان داد. در واقع امروزه جهان اسلام با تصویری که از آن در افکار عمومی جهان شکل گرفته است نیازمند و تشنه رسانه‌هایی با محتوای صلح و همگرایی اسلامی است.

جمع‌بندی

با توجه به اینکه امروزه فرایند جهانی شدن اجتناب‌ناپذیر است، تلاش برای در امان ماندن از تهدیدهای آن و استفاده از فرصت‌هایی که در این فرایند ایجاد می‌شود اهمیت بسیار دارد. از سوی دیگر با رشد رسانه‌ها و توسعه روزافزون شبکه‌های ارتباطی، این فرصت فراهم شده است که فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف بتوانند بیش از پیش دیدگاه‌ها و قابلیت‌های خود را بروز دهند و در دنیا منتشر سازند، هرچند به همان اندازه هم در معرض هجوم قرار دارند. در این میان فرهنگ اسلامی نیز می‌تواند با استفاده از این فرصت و با تدبیری مناسب، ضمن تأکید بر تقریب و همگرایی در داخل جهان اسلام و با رویکردی اتحادطلبانه و با استفاده از رسانه‌هایی اسلامی، به احقاق حقایق دین اسلام بپردازد و از به تصویر کشیدن چهره‌ای خشن و نامطلوب از دین اسلام جلوگیری نماید. با ایجاد شبکه‌ای رسانه‌ای قدرتمند و با رویکردی تقریبی در دنیای اسلام می‌توان از فرصت بی‌بدیل جهانی شدن بهره گرفت و ضمن شناساندن آرمان‌ها و رساندن پیام‌های دین اسلام به دیگران، از هجمه‌ها و تهدیدهای علیه اسلام جلوگیری کرد، نگاه رأفت‌آمیز اسلامی را حاکم نمود و اجازه نداد مسائلی مثل تروریسم و تروریست‌ها خود را نماینده اسلام ناب جا زنند.

منابع

الف) منابع فارسی:

- احمدی پور، زهرا و ابوالفضل کاوندی کاتب و میثم میرزایی تبار (۱۳۸۹). «چالش‌های جهان اسلام در عرصه جهانی شدن»، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ۲۵ تا ۲۷ فروردین، زاهدان.
- افروغ، عماد و دیگران (۱۳۸۸). جهانی شدن و جهان اسلام، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- برگر، پیتر و ساموئل هانتینگتون (۱۳۸۴). چند جهانی شدن: گوناگونی فرهنگی در جهان کنونی، ترجمه علی کمالی و لادن کیانمهر، تهران: انتشارات روزنه.
- بوازار، مارسل (۱۳۶۱). اسلام در جهان امروز، ترجمه مسعود محمدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پورناجی، بنفشه (۱۳۸۷). «نگاهی به پدیده جهانی شدن رسانه‌ها: مخاطبان دیگر یکسان نمی‌اندیشند»، روزنامه اعتماد، ش ۱۸۹۱.
- تاملیسون، جان (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جام جم آنلاین (۱۳۸۱). «نگاهی به تأثیرپذیری سیاست خارجی از رسانه‌ها در عصر جهانی شدن»: رسانه‌ها و سیاست در عصر جهانی شدن قابل دسترس در آدرس:
<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=10004213254>
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۲). «جهانی سازی و مسئولیت‌های فراملی» در جهان شمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی)، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- خلیلیان، سید خلیل (۱۳۶۲). حقوق بین‌الملل اسلامی، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- درخشه، جلال (۱۳۸۹): «اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی»، مجله رسانه، سال بیستم، ش ۳.
- درستی، احمد (۱۳۸۰). «جهانی شدن و خاورمیانه عربی»، مجله مصباح، ش ۳۷.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰). «ایران و جهانی شدن: تهدیدها و فرصت‌ها»، مجله مصباح، ش ۳۷.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰). پدیده جهانی شدن: وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: آگاه.
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۵). «سواد رسانه‌ای؛ یک مقاله عقیده‌ای»، فصلنامه رسانه، سال هفدهم، ش ۴ (شماره پیاپی ۶۸) (زمستان).
- شیرودی، مرتضی و سید آصف کاظمی (۱۳۹۰). «نقش رسانه‌های غرب در برابر گسترش اسلام در غرب»، مجله سخن تاریخ، ش ۱۴ (پاییز).
- عبدالحمید، محسن (۱۳۸۰). «جهانی شدن از منظر اسلامی»، ترجمه شاکر لوتی، پگاه حوزه، ش ۳۴.
- عبدالحمید علی، عادل (۱۳۷۹). «جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم»، مترجم سیداصغر قریشی، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ش ۱۵۵ و ۱۵۶.
- فتحی یکن، رامز ظنبور (۱۳۸۷). جهانی شدن و آینده جهان اسلام، ترجمه مولود مصطفایی، تهران: احسان.

قاسمی، ظہورث (۱۳۸۵). «سواد رسانه‌ای رویکرد جدید به نظارت»، فصلنامه رسانه، سال هفدهم، ش ۴ (شماره پیاپی ۶۸) (زمستان).

قطب، محمد (۱۳۸۲). مسلمانان و مسئله جهانی شدن، ترجمه زاهد ویسی، تهران: امیرکبیر.

کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۰). جهانی شدن فرهنگ و سیاست، تهران: قومس.

کیانی، داود (۱۳۸۰). «مقاله مقدمه‌ای بر جهانی شدن»، مجله اندیشه صادق، ش ۵.

کیلی ری و فیل ماریت (۱۳۸۰). جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه شیخ علیان و نورائی، تهران: وزارت امور خارجه.

لطفی، حیدر و آزاده محمدزاده (۱۳۸۹). «فرآیند جهانی شدن و بررسی این پدیده در کشورهای جهان اسلام»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.

نش، کیت (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، با مقدمه حسین بشیریه، تهران: انتشارات کویر.

نکویی سامانی، مهدی (۱۳۸۷). «اسلام و جهانی شدن»، معرفت، ش ۱۳۳.

نیاکوئی، امیر (۱۳۸۶). جهانی شدن و توسعه با نگاهی به ایران (گذاری بر جهانی شدن و اقتصاد سیاسی ایران)، تهران: کتاب دانشجو.

تافلا، الوین و دیگران (۱۳۷۷). به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، چ سوم، تهران: نشر سیمین.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۰). جهانی شدن و آینده دموکراسی، ترجمه کمال پولادی، تهران: مرکز.

(ب) منابع لاتین:

Ardalan, Kavous (2009), "Globalization and Culture: four Paradigmatic Views", International Journal of Emeralds, Vol.36, No.5

Chaucil, Nasli (2000). "Cathouction: CylenPolitica in International Relation", **International Political DeienceRevilu**, Vol21 , No , 3

Giddens, Anthony (1990). The Consequences of Modernity, London: Polity Press

Held ,Danicl. (1999); GlolalTnanakarmation.Ztamland: ZtandandUnivenci-tyPnead

Kastelz, M Manael (1990). Information Systems and Development in the Third World. Information Processing and Management, Vol.26, No. 4